

سخنان خوشامدگویی دکتر داوود مرادیان

کنفرانس: یهودیان و جهان فارسی‌زبان؛ سیاست، فرهنگ و پیوندهای تاریخی

خانم‌ها و آقایان گرامی، صبح‌تان به خیر.

مایه‌ی خرسندی و افتخار من است که امروز در چنین کنفرانس مهمی شما را خوشامد بگویم؛ کنفرانسی که در تالار ساده اما پراعتبار این دانشگاه برگزار می‌شود. کنفرانس ما همزمان است با دو مناسبت بزرگ: یوم کیپور یهودیان و جشن مهرگان فارسی‌زبانان. پس اجازه دهید بگویم: «گمار چتیما تووا» و «جشن مهرگان خجسته باد».

می‌دانم برخی از شما شاید از دریافت دعوت‌نامه‌ی کنفرانسی درباره‌ی روابط یهودیان و فارسی‌زبانان، که از سوی نهادی با هویت افغانستانی برگزار می‌شود، شگفت‌زده شده باشید. بارها از من پرسیده‌اند که چرا چنین برنامه‌ای را در این زمانه‌ی تراژیک و قطبی‌شده پیرامون سرزمین مقدس برگزار می‌کنیم. چهار دلیل دارم که بیان این موضوع را برای ما ضروری ساخته است.

نخست: در سال ۲۰۱۸، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان با همکاری دانشگاه‌های ساسکس و کمبریج پروژه‌ای پژوهشی آغاز کرد تا تجربه‌های زیسته و تخیل غیرمسلمانان را در زندگی در کنار همسایگان مسلمان‌شان بررسی کند. تمرکز ما بر جوامع سیک و یهودی در کابل، هرات، بخارا و نیویورک بود. این پژوهش به آنچه ما همیشه امیدوار بودیم، تاکید کرد: که یهودیان و سیک‌های افغانستان عشقی عمیق به سرزمین خود دارند، اگر نه، بیش از مسلمانان هموطن‌شان. امروز از زبان یهودیان هرات، مشهد و بخارا خاطرات نخستین از شهرهای محبوب‌شان را خواهید شنید.

دوم: در هشتم سپتامبر ۲۰۲۱، آقای زبولون سیمنتو، آخرین یهودی افغانستان، کشور را ترک کرد. خروج او پایان بیش از دو هزار سال حضور یهودیان در افغانستان بود. اما داستان او فقط روایت یک فرد نیست. در هفته‌ها و ماه‌های پس از آن، بیش از هشت میلیون افغانستانی کشور خود را ترک کردند؛ یکی از بزرگ‌ترین کوچ‌های اجباری در تاریخ معاصر، که نتیجه‌ی آن‌چه «فرآیند صلح» آقای خلیلزاد نامیده شد، بود. رفتن اجباری سیمنتو یادآور آن است که سرنوشت مسلمانان عادی با سرنوشت همسایگان غیرمسلمان‌شان گره خورده است و سرطان اسلام‌گرایی افراطی همه‌ی جوامع را یکسان ویران کرده است. با این حال، همانند میلیون‌ها پناهجوی افغانستانی و ایرانی در جهان، سیمنتو همچنان در آرزوی بازگشت به خانه است.

سوم: در جریان آماده‌سازی این کنفرانس، خصومت میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران شعله‌ور شد. گاه خود را در وضعیتی یافتیم که همزمان با افراد در اسرائیل و ایران گفت‌وگو می‌کردم، در حالی که بمب و موشک رد و بدل می‌شد. حس غریبی داشتم که گویی میانجی جنگی مسلحانه‌ام. اما به شگفتی دیدم که میان ایرانیان و اسرائیلی‌هایی که با آنان سخن می‌گفتم، نفرت عمیقی وجود نداشت، بلکه بیشتر سردرگمی و حیرت بود. شگفتی اصلی اما پس از آتش‌بس رخ داد، هنگامی که رژیم ایران اخراج گسترده‌ی پناهجویان افغانستانی را آغاز کرد. نزدیک به یک میلیون مهاجر بیرون رانده شدند؛ یکی از بزرگ‌ترین اخراج‌های دسته‌جمعی تاریخ معاصر. این اقدام بخشی در پی شایعات بی‌اساس درباره‌ی همکاری افغانستانی‌ها با موساد بود.

دیروز مشاور امنیت ملی ایران اسرائیل را متهم کرد که فضای ضدافغانستانی در ایران را دامن زده است، اما در عین حال از طالبان به خاطر حمایت‌شان از جمهوری اسلامی تشکر کرد. این نشان می‌دهد که کشمکش میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران تنها یک نزاع دوجانبه نیست، بلکه پیامدهای منطقه‌ای عمیقی نیز دارد.

چهارم: از زمان تسلط طالبان بر افغانستان، نزدیک به یک سوم جمعیت ما ناچار به فرار شده است. این جابه‌جایی عظیم یکی از گسترده‌ترین حرکت‌های همبستگی جهانی را در دوران اخیر برانگیخت. نهادهای یهودی در عرصه‌ی کمک‌های بشردوستانه نقشی برجسته ایفا کردند، به‌ویژه در ایالات متحده، جایی که نظام حمایت از پناهنجویان به‌خوبی استوار نبود.

در قدردانی از این تلاش‌ها، در سال ۲۰۲۳ جایزه‌ی صلح ابن‌سینا برای همکاری میان‌فرهنگی را به پاس این میراث همکاری یهودی-افغانستانی اعطا کردیم. برنامه‌ی امروز نیز در پی ادامه و گسترش همین میراث است.

خانم‌ها و آقایان،

رئیس‌جمهور بوش روزگاری درباره‌ی آینده‌ی اروپا چنین عبارتی را به کار برد: «اروپایی یکپارچه، متحد و آزاد». من باور دارم که در سرزمین ما - جهان فارسی‌زبان در گسترده‌ترین معنای آن - روح ما تنها زمانی دوباره جان خواهد گرفت که همه‌ی جوامع آن - یهودی، مسلمان، مسیحی و بی‌خدا - بار دیگر کنار هم گرد آیند. امید دارم کنفرانس امروز گامی در راه تحقق آن چشم‌انداز مشترک باشد.

پیش از پایان سخنم، بگذارید از کسانی که این گردهمایی را ممکن ساختند سپاسگزاری کنم. نخست، از شریک همکار ما، مرکز مطالعات تمدن یهودی، که در این زمان حساس و نامطمئن به ما اعتماد کرد. سپاس ژرف من از پروفیسور آری سولتز نیز هست که از آغاز با حمایت و دوراندیشی خود شکل‌گیری این برنامه را یاری رساند.

بنیاد ملی علوم انسانی آمریکا امکان بسیاری از فعالیت‌های ما را فراهم ساخته است. بنیاد سفاردی آمریکا نیز منابع فکری و اجتماعی خود را برای غنی‌تر شدن این برنامه بسیج کرده است. همچنین خانم زینب خان، رئیس «اتحاد رهبری مسلمانان آمریکا»، با پشتیبانی‌ها و مشاوره‌های ارزشمند خود یاری‌رسان ما بود؛ حتی ترتیب داد تا ما زادروز ۸۱۸ سالگی مولانا را با کیک‌ی ویژه جشن بگیریم.

اما بیش از همه، قدردانی ژرف من از همکاران و داوطلبانی است که طی هفته‌های گذشته با شور، پشتکار و توانمندی کار کردند: طارق بهاء، هانیه ملک، آمنه نظامی، حبیبه آشنا و سلیمان. آنان نماینده‌ی شوق، تعهد و شایستگی جوانان افغانستانی‌اند.

و در پایان باید بگویم که هیچ‌یک از این تلاش‌ها بدون اعتماد سخنرانان، گردانندگان کنفرانس و مهمانان ما معنایی نداشت، کسانی که برخی‌شان از اسرائیل و شهرهای دیگر جهان به اینجا آمده‌اند. برای حضور و پشتیبانی شما عمیقاً سپاسگزارم.

خانم‌ها و آقایان، برای همه‌ی شما آرزوی کنفرانسی پر بار و الهام‌بخش دارم.